

مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث
، شماره پیاپی
- بهار و تابستان

آمدی بر فلسفه علوم قرآنی*

احمد قرائی سلطان آبادی

دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد

Email: aghraee@yahoo.com

سعید نظری توکلی

استادیار دانشگاه تهران

Email: sntavakoli@um.ac.ir

حسن نقی زاد

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

Email: naghizadeh@ferdowsi.um.ac.ir

علی حقی

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

Email : haggi@um.ac.ir

چکیده

طرح مباحث علم شناسانه در دانش میان رشته ای فلسفه

*. ی / / : تاریخ تصویب نهایی: / / .
. نویسنده مسئول

علم سبب شده است تا محققان علوم مختلف، اصول کلی حاکم بر علوم و معارف بشری را با نگاهی متفاوت بررسی کنند. از این رهگذر، فلسفه علوم قرآنی نیز به عنوان یکی از دانش‌های میان رشته‌ای اسلامی در صدد است بر پایه اصول و مبانی علم شناختی، ماهیت، مسائل، مبادی، کارکرد های علوم قرآنی و رابطه آن را با سایر علوم بررسی کند تا افق‌های تازه‌تری از قلمرو معرفتی علوم قرآنی به روی همگان گشوده گردد.

کلید واژه‌ها: فلسفه علم، فلسفه‌های مضاف، فلسفه علوم قرآنی.

پیش‌گفتار

موم از لحظه پیدایش و حرکت در مسیر توسعه، همواره با فراز و فرودهای بسیاری رو به رو بوده. تلاش‌هایی در راستای توانمندی علوم در پاسخ‌گویی به نیازهای طالبان آنها صورت گرفته که به دیده انصاف خدمات چشم‌گیری به شمار می‌آیند. با این حال، هر چه زمان می‌گذرد و دامنه موضوعی و قلمرو معرفتی علوم وسیع‌تر می‌گردد، درک اینکه علوم با چه مبانی و پیش‌فرض‌هایی و به کمک چه روش‌هایی رشد یافته‌اند، در ابهام بیشتری فرو می‌رود. چرا که مسایل و حیطه‌های علوم و معارف بشری به گونه‌ای در هم تنیده شده‌اند که داشتن روش‌های روشن از علوم و مبدأ و مقصد آنها آرمان عده‌ای گشته که به گفته فرانسویس بیکن () سودای این را در سر می‌پرورانند که هر دانشی را در ملك خود فرود بیاورند. (حقی،).

یا به تعبیر عام‌تر

این رویکرد و برای شفاف سازی هر چه بیشتر مرزهای آنها پدید آمده است. دانشی مشیر به علم

. به عبارت دقیق تر، مجموعه

مسئله‌ای درجه‌دومی آن علم که بر اثر نگاه بیرونی به یک علم پدید می‌آیند. در فلسفه یک علم می‌توان درباره آن علم تصمیم گرفت، فعلیت‌ها و قابلیت‌های آن را دید و با نگاه به اهداف آن، وضعیت مطلوب آن را ترسیم و راه رسیدن به آن را توصیه کرد. (لاریجانی،). در این عنوان به معنای علم شناسی و آمیزه‌ای از منطق و روش شناسی؛ و مراد از علم هم، علم تجربی (science) () .

فلسفه علوم که برخی اسلامی فلسفه‌های مضاف نام گذاری کرده اند، نقطه مقابل () /

یزدی، /) . در این فلسفه‌ها تکیه به مفروضات علم مضاف الیه و آرا و روش‌های عالمان آن علم است، اما در فلسفه مطلق بدون پای بندی به مفروضات آن علم و با نگاهی بی طرفانه از هستی به نحو عام و مطلق بحث می‌شود.

اساس بحث در این نوع فلسفه‌ها، همان رؤوس ثمانیه در میان گذشتگان است که عبارتند از: تعریف، موضوع، غرض و غایت، منفعت، مرتبه و جایگاه آن در میان سایر علوم، مبدع و مدون، فهرست مباحث و مسائل های تعلیم (خوانساری، ؛ مفتونی

).

فلسفه علوم قرآنی بخشی از این فلسفه هاست که کمتر بدان توجه شده است؛ به حدی که امروزه، اقدام مناسبی در معرفی و شناسایی آن صورت نگرفته است. نگاشته های چندی که در این مورد وجود دارد به بررسی همه جانبه و دقیق آن .

وجود این، برای فهم ابعادی از موضوع مورد نظر می توان از آنها استفاده کرد. آثاری چون : درآمدی بر علوم قرآنی ، محمد رضا صالحی کرمانی، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران؛ ماهیت رشته علوم قرآن جمعی از اساتید ، ناشر: انجمن علمی دانشجویی الهیات دانشگاه امام صادق - علیه السلام - ؛ قرآنی، علی نصیری، مجله قبسات، شماره علوم قرآنی، چیستی، چگونگی، چرایی، علی اوسط باقری، مجله قرآن شناخت ، شماره اول.

چیستی فلسفه علوم قرآنی

سؤال از چیستی و ماهیت یک علم، اساسی ترین پرسش ناخستی و هویت شناسی آن علم به شمار می آید. (نک: صلیبا،) . در مورد دانش علوم قرآنی و فلسفه آن نیز ورود به فضای این گونه بحث ها شرط لازم فهم معتبر و درست ما از آنها خواهد بود.

بر این اساس، فلسفه علوم قرآنی را می توان با رجوع به فلسفه دیگر علوم ز الگوی معرفی آنها این گونه شناسانید: مجموعه مباحثی که به بررسی مسایل، مبادی، غایات، روش تحقیق، و ارتباط علوم قرآنی با دیگر حوزه های علوم نظر دارد علوم قرآنی معرفتی درجه دوم محسوب می شود. (نک:

؛ خرمشاهی، / (.

محور این مباحث، کلیت علوم قرآنی با همه اجزای آن و نیز سؤالاتی است که رویاروی این کل قرار دارد؛ از قبیل: فرآیند نزول قرآن چیست و چه تصویری قابل فهم از آن می‌توان ارائه داد؟ آیا قرآن که مبین و روشنگر است به متشابهات و جملات نیاز دارد؟ چرا برخی آیات نسخ و حکم آنها برداشته شد

ابزاری می‌توان به مدلول (آیات دست یافت؟ آیا روشی جامع برای تحلیل گزاره های علوم قرآنی وجود دارد؟ و ... این دانش نوین که برای ساماندهی مبادی و مبانی دانش مضاف الیه خود و نظارت بیرونی بر آن پدید آمده، به دنبال آن است که با شفاف سازی ماهیت و محتوای معرفتی دانش های قرآنی، شیوه های ارزیابی، انواع جهت گیری ها و رویکردها و گرایش های علمی آن را بررسی کند. عبارتی، نقش مبانی و زیرساخت علوم قرآنی را بازی کند و به نحیف و فربه شدن مسایل آن کمک نماید. (نصیری،) .

بیشتر اندیشمندان درحوزه مطالعات علم شناسی اعتراف دارند که فلسفه هر علم تصحیح و تنقیح مبادی و مبانی تصویری و تصدیقی و مجموعه بایدها و هست های

. مبادی خود به مبادی تصویری و تصدیقی تقسیم می شود . مراد از مبادی تصویری، تعریف موضوع آن علم و تعریف موضوعات و محمولهای مسائل آن است. از مبادی تصدیقی، اصول موضوعه و پذیرفته شده ای است که در آن علم به کار می آید، مبادی تصویری معمولاً در خود آن علم و مبادی تصدیقی معمولاً در علوم دیگر بحث و بررسی می شوند. (صالحی کرمانی،) .

. (جعفری،) . صرف دانشی گزارشی و حکایتگر نیست که اطلاعاتی مبنی بر تاریخچه آن علم . بلکه بر عکس، تلاش با بررسی مبادی و مبانی علوم قرآنی، به پژوهش در بایسته های پژوهشی این حوزه معرفتی بنا بر ضروریات عصری و کشف مناسبات آن با سایر علوم توصیه نماید. و روشن نماید که دانش علوم قرآنی در فرآیند ادراک دینی و فهم قرآنی افراد نقش مؤثری دارد و باعث می شود تا امکان های جدیدتری از حقیقت مباحث و مسایل قرآنی آشکار شود .

مسایل فلسفه علوم قرآنی

اختلاف در برداشت و تفاوت در نگرش به ماهیت و چیستی و دامنه موضوعی فلسفه علوم قرآنی تأثیر چشم گیری در ترسیم و تصویرسازی مسائل آن دارد. زیرا آن گاه که شیوه کشف ماهیت فلسفه علوم قرآنی نزد شخصی به تأمل در عینیت موضوعات علوم قرآنی موجود در کتب علوم قرآنی و تعامل آنها با یک دیگر وابسته باشد، نوع مسائل فلسفه علوم قرآنی از نگاه او با کسی که با واکاوی و مقایسه فلسفه علوم و مفهوم سازی اصطلاحات آن به قلمرو فلسفه علوم قرآنی راه می یابد . آنچه مهم می نماید این است که بیان مسائل فلسفه علوم قرآنی به هر دو شیوه ممکن است؛ اما روش مطلوب، ورود به عرصه فلسفه علوم یا فلسفه های مضاف و کشف مسائل این گونه

مهم ترین مسائل فلسفه علوم قرآنی عبارتند از:

تعریف علوم قرآنی، بیان موضوع
 علوم قرآنی، ماهیت قرآن و توجه به مصدر وحیانی
 (سیره) معصومین - علیهم
 السلام - در فهم قرآن، تفکیک غرض و غایت احکام
 علوم قرآنی، توانایی علوم قرآنی در حل مسائل
 جدید، تحدید و کمی کردن مفاهیم علوم قرآنی، نقش
 ه های علوم قرآنی، مقایسه متدولوژی
 تحقیق در علوم قرآنی در بین گذشتگان و آیندگان،
 گفت وگو از اهداف و مقاصد علوم قرآنی، قلمرو و
 جایگاه معرفتی آن، رابطه آن با سایر علوم، روش
 شناسی تحقیق در موضوعات آن، منابع علوم قرآنی. ()
 نک:

برخی روش شناسی تفسیر قرآن را یکی از مسائل
 فلسفه علوم قرآنی دانسته و به معنای بررسی اصول و
 قواعدی که در تفسیر و تبیین مراد خداوند از آیات
 به کار می رود به کار برده . (ایزدپناه،
 .)

تردیدی نیست که روش شناسی (متدولوژی)
 جزئی از فلسفه آن علم به شمار می آید. (نوالی،)
 ولی باید دانست که دانش تفسیر اگر چه نزد گذشتگان
 ضمن دانش علوم قرآنی بحث می شد (سیوطی، نوع
 ؛ زرکشی، نوع)، اما امروزه دانشی مستقل به
 شمار می آید که با مبانی و اصول موضوعه خود،
 مفسران قرآن را در فرآیند فهم قرآن کمک می کند
 (رجبی و همکارا) و جالب اینجاست که دانش
 علوم قرآنی خود از جمله دانشهایی گردیده که مفسر
 قرآن باید آن را در کنار دیگر علوم اسلامی فرا گیرد

تا بهتر بتواند راه پر پیچ و خم تفسیر قرآن را بپیماید. از همین رو، روش شناسی تفسیر قرآن را باید یکی از مباحث اساسی دانش فلسفه تفسیر به شمار آورد نه فلسفه علوم قرآنی.

همچنین، برخی نگرش شناسی را زیربنای روش شناسی دانسته، معتقدند بحث از روش شناسی علوم قرآنی نمی

. به همین جهت، هفت نگرش کلان به

قرآن شکل می گیرد که هر کدام روشی خاصی را در فهم آن توصیه می کنند: نگرش عامیانه، نگرش فلسفی عقلانی، نگرش نقلی (اخبارگرایانه)، نگرش انقلابی و ایدئولوژیک، نگرش علمی، نگرش ربّانی یا نگرش جامع (ایزدپناه،) . بر این اساس، روش شناسی

علوم قرآنی بر چهار مبنای مهم استوار شده است: هویت شناسی علوم قرآنی، جایگاه روش شناسی علوم قرآنی در میان روش شناسی های دیگر، رابطه روش شناسی با نگرش شناسی ما به قرآن و تمایز و تشابه روش شناسی های مطرح در علوم قرآنی (همان،) .

با دقت در مطالب مربوط به چیستی و دامنه فلسفه علوم قرآنی، روشن می شود که سخن از هویت و ماهیت علوم قرآنی به فلسفه آن مربوط است نه روش شناسی علوم قرآنی (نک: جعفری،) و تردیدی نیست که استوانه های بحث روش شناسی علوم قرآنی بسی فراتر از موارد مذکور است که در واقع به جوانب گوناگون متدولوژی تحقیق در علوم قرآنی می پردازد که از مجرای آن رویکردها و رهیافت های محققین اندیشمندان علوم قرآنی با اهتمام به جایگاه و

آثار معرفتی آن بررسی می شود.

برای داشتن درکی درست از مسائل این دانش باید به نکات ذیل توجه داشت:

مسائل علوم قرآنی چگونه پیدا می شوند؟ ذهن آدمی چگونه با آنها آشنا می گردد؟ ماهیت، معنا و کارکرد گزاره های علوم قرآنی چگونه اند؟ مقام باید و هست در گزاره های آن چگونه است؟

منشأ پیدایش آموزه های علوم قرآنی کدامند؟ آیا آنها در عقل ریشه دارند یا در نقل یا قهراً در

هردوره بنا بر شرایط درونی و بیرونی آن سر برمی آورند؟ آیا می توان منشأ مباحث آن

قانون خداوند یعنی محتوای درونی خود قرآن دانست یا اینکه ذهنیت و ذوق و گرایش طالبان و پژوهشگران آن در شکل گیری و ظهور آنها سهمند؟

مبنای احکام و آموزه های علوم قرآنی چیست؟ چرا بایسد بجهت وجود نسخ، محکم... در قرآن قائل شد؟ آیا مبادی تصویری

صـدیـقی علـوم قرآنی مشـخص و متمایزند که بر اساس آنها بتوان به کشفیات جدید در راستای فهم قرآن دست یافت یا بر مبنای آنها بتوان کارنامه اندیشمندان آن را بررسی و صحت و سقم اقدامات آنها را معین نمود؟

آیا مباحث علوم قرآنی در همه جا یکسان است و باید یک دستگاه معرفتی یکسانی وجود داشته باشد؟ آیا مسائل این علم در طول زمان ثابت و لایتغیرند؟ یا در زمانهای بعد به تناسب رشد و رکود جامعه تحول پیدا می کنند؟ آیا مسائل این دانش نزد فریقین -

شیعه و سنی - متفاوت هستند؟ رهیافتهای جدید بین این دو گروه کدامند؟ (نک:) .

نکته مهم این است که ماهیت مسائل این دانش جدید را می توان در میزان کاربرد آنها شناخت که معمولاً درباره ی این موارد است: بررسی رویکرد علما و اندیشمندان علوم قرآنی از حیث اعتبار، روش و غایت؛ کشف وحدت موضوعی و ارائه تصویری روشن از ارتباطهای بین موضوعی این دانش؛ بررسی تطور و تنوع دانشهای قرآنی و کمک به فربه گی و پرباری آنها؛ ارائه ملاکهای صحت و اعتبار گزاره های دانش علوم قرآنی؛ آگاهی از فرآیند شکل گیری نظریات و معلومات درباره ی این دانش؛ کشف کاستی ها و ضعف سازواره مباحث آن؛ بررسی سازوکارها، اصول و مبانی، روند شکل گیری، روش شناسی علوم قرآنی؛ طرح پرسش و پاسخ در مسائل علوم قرآنی؛ متدولوژی تحقیق در علوم قرآنی و چگونگی فرآیند پژوهش مطلوب؛ نوع ارتباط و پیوندهای علوم قرآنی با علوم دیگر؛ چون: فقه، اصول فقه، حدیث، کلام، فلسفه، تاریخ، تفسیر و علوم بلاغی و زبان شناسی؛ ارائه مدلهای مطلوب جهت بهره گیری از مبادی تصویری و تصدیقی این دانش در فهم درست از شریعت و قرآن.

برای نمونه به برخی از مسایل و کارکردهای فلسفه علوم قرآنی اشاره می گردد تا زمینه مناسبی برای پژوهش های علم شناسانه در حوزه قرآن شناختی فراهم :

الف - چیستی علوم قرآنی

فلسفه علوم قرآنی در راستای مفهوم شناسی و بیان علوم قرآنی به صورت یک مرکب اضافی و اهمیت محتوایی آن به ما می آموزد که در یک نگاه جامع نگر به این نکات باید توجه داشت:

: این مرکب اضافی، یعنی علوم القرآن، بعد از **نقل اصطلاحی، علم شخصی است برای** فنی که شامل همه . بنابراین مدلول تضایفی قبل از نقل آن، با مدلول اصطلاحی بعد از آن، مغایرت دارد. گویی علوم القرآن، بعد از علمیت، وحدتی انتزاعی یافته و یک علم است که مسائل آن، علوم مختلفه . (کمالی دزفولی،) .

: بنا بر مفهوم لغوی، علوم قرآنی هر علمی را که با قرآن ارتباط داشته باشد در بر می گیرد و مصادیق آن می تواند علم تفسیر، علم قرائات، علم

اعراب قرآن، علم غریب القرآن، علوم دین، لغت (علوم ادبی و لغوی) . (ک: زرقانی، /) . اما در یک معنای موسع مراد تمام علوم است که هم از قرآن استنباط شوند و در خدمت قرآن و در راستای و آرمان قرآن به کار آیند و هم قرآن را مورد بحث قرار دهند و صاحب خود و نیز مفسر را در نیل به معارف قرآن و فهم آن کمک نمایند(ایز - : عتر، قاضی، ؛ عبدالرحمان العک،) .

: استفاده از تعبیری چون:

علوم فی القرآن، علوم حول القرآن)

خراسانی، / ؛ شاکر، ؛ طالقانی،
 (از سویی گواهی روشن بر توسع دامنه موضوعی و
 گستره معرفتی این علم و از سوی دیگر نکته سنجی در
 مرزشناسی دانشهای مرتبط و مستند به قرآن است به
 گونه ای که دیدگاه حصر علوم قرآنی در علوم اخذ
 شده از قرآن همچون: اعتقادات، فقه، اخلاق، شناختهای
 عام و کلی درباره انسان، هستی، طبیعت، گیاهان،
 آسمان و افلاک (عتر،) را تعدیل و تصحیح می نماید.

گنجاندن همه علوم از جمله علوم اوائل مثل
 طب، جدل، هیئت، هندسه، جبر، مقابله، نجومه)
 بینی) و غیر آنها در تعریف علوم قرآنی بر گرفته از
 این تصور باسابقه () است که
 هر که به دنبال علم است باید در معانی قرآن تدبر
 اید و به تفسیر آن بپردازد؛ زیرا علم اولین و
 آخرین در قرآن است (زرکشی، / ؛ سیوطی، /).
 حالی که چنین نیست، زیرا بشر با تلاشهای فکری خویش
 بدان علوم دست یافته هرچند که اشاراتی در قرآن به
 این علوم شده است و این به معنای اقتباس همه مسائل
 نیست.

علوم قرآنی به عنوان مرکبی اضافی در دو
 معنا به کار رفته است:

الف - معنای عام که شامل هر علمی است که به
 ای با قرآن در ارتباط باشد؛ اعم از آنکه در
 خدمت قرآن باشد یا متخذ از آن، و یا قرآن را
 موضوع بررسی خود قرار داده، درباره ی آن بحث
 می کند.

ب - معنای خاص که فقط علوم متخذ از قرآن را

شامل می . رابطه بین این دو معنا، عام و خاص مطلق است؛ به این صورت که معنای نخست اعم است و تمام مصادیق معنای دوم را نیز شامل می (باقری،) .

محدوده علوم قرآنی از دانش تفسیر جداست و علوم قرآنی خود دانش مستقلی است که موضوع آن قرآن کریم است و آن را از جهات مختلف همچون کیفیت نزول، قرائت، پیوند با حوادث عصر نزول، احکام و تشابه، اعجاز، اصالت، صیانت و مانند آن، بررسی می‌کند. این وجود، مباحث علوم قرآنی نقش پیش نیاز را برای مفسر قرآن دارند به نحوی که در پیشینیان کسانی چون طبری، راغب اصفهانی، ابن عطیه، و صاحب کتاب المبانی () و سیوطی و در معاصرین آیت الله خویی و آیت الله معرفت (رحمهما الله) به این امر توجه داشته و یا این مباحث را در مقدمه تفسیر خود آورده اند و یا مانند سیوطی کتاب رای تفسیری به نام مجمع البحرین و مطلع البدرین (سیوطی، /) و آیت الله معرفت کتاب التمهید فی علوم را مقدمه تفسیری به نام الوسیط (/) و آیت الله خویی کتاب البیان فی تفسیر

. در مورد مؤلف کتاب المبانی لنظم المعانی دو قول مطرح شده که طبق یکی صاحب این اثر فردی به نام ابو محمد احمد بن علی العاصمی از علماء بزرگ خراسان در قرن پنجم هجری است. و دیگری اینکه بنابر نظر دکتر سالم محمد محمود احمد شنقیطی استاد کلیة المتعلمین دانشگاه مدینه منوره که با دقت در متن کتاب و توجه به نقل مؤلف از مشایخش به ویژه ابوعبدالله محمد بن علی بن الهیثم *لیخ الکرامیه و ذکور اسامی آنها با عناوینی خاص بیان داشته*: این کتاب نوشته « ابو محمد حامد بن احمد بن جعفر بن بسطام » از علماء مالکی قرن پنجم هجری (بنگرید: رساله یا مقاله ای به نام: *المبانی لنظم المعانیلم یفد مجتول* از شنقیطی) برگرفته از اینترنت) .

را مقدمه تفسیری قرار دادند که به انجام

(ری،) . بنابراین، اینکه افرادی چون زرقانی تفسیر را جزء مباحث علوم قرآنی برشمرده (زرقانی، /) بر خطا رفته اند، مگر اینکه مدعی شویم انگیزه او این نبوده که تمام کتب تفسیری از کتب علوم قرآنی محسوب شوند بلکه مراد از علم تفسیر قرآن که در علوم قرآن به آن پرداخته می شود، مباحث کلی و مبنایی درباره ی تفسیر قرآن مثل تعریف تفسیر، بیان تفاوت آن با تأویل، اثبات امکان و ضرورت تفسیر، منابع تفسیر، علوم مورد نیاز مفسر و غیره است که تمام این بحثها مقدمه ی تفسیر به معنای تلاش برای فهم آیات قرآن . عمل نیز کتب علوم قرآنی در فصل مربوط به تفسیر به بحثهای یادشده پرداخته اند و هیچگاه به تفسیر آیات (اوسط باقری،) .

: در پاسخ به این سؤال که «علوم قرآنی یک علم خاص است یا علوم متعددی ذیل آن قرار می گیرد و اگر یک علم است چرا علم قرآنی گفته نشده؟» باید : علوم قرآنی در شکل جدید و معنای مدون آن دیگر شامل علوم متعدد نیست. بلکه یک علم با مباحثی کلی و مهم است که هر یک جنبه ای از جوانب قرآن را بررسی می کنند ؛ به طوری که موضوع هر یک از این جوانب، قرآن از منظری خاص است. مباحثی : نزول قرآن، جمع و ترتیب و تدوین در مصحف، اسباب نزول، محکم و متشابه در قرآن، نسخ ... (نک: پاکتچی ، ؛ صالحی

کرمانی، () .

: با تکیه بر سیره پیشینیان در تعریف موضوع
 «کل ما یبحث فیه عن عوارضه الذاتیه» ()
 الشریف الجرجانی، () ، می توان علوم قرآنی را به شکل فنی تری چنین شناساند: علوم قرآن، علمی هستند که درباره حالات و عوارض ذاتی و اختصاصی قرآن کریم بحث کرده و موضوع در تمامی آنها قرآن است (صالحی کرمانی، () . بر این اساس، علمی از قبیل صرف و نحو، معانی، بیان، و نظایر آنها از دایره تعریف خارج می شوند؛ زیرا گرچه این علوم در پرتو تأثیر قرآن مجید به وجود آمده به قواعد و قوانین این علوم، آیات و کلمات قرآن را بررسی می کنیم، در عین حال، این علوم مستقیماً از قرآن مجید بحث نمی کنند، و از علوم اختصاصی قرآن نیستند.

نهم: علوم قرآنی را با عنایت به کارکرد دانش‌های های فراهم آمده در این زمینه تعاریف ارتکازی پدیدآورندگان آنها حکایت دارد، این گونه شناسانیده اند: مجموعه ای از دانش‌های بیرونی قرآن که برای شناخت ماهیت، تحولات تاریخی، مبانی فهم و تفسیر و فعالیت درباره این کتاب به کار می آیند (نصیری، () .

ب - گستره موضوعی علوم قرآنی

اندیشمندان علوم قرآنی، نگرش‌های متعددی درباره موضوعات علوم قرآنی دارند؛ برخی از آنها عبارتند
 :

زرکشی و سیوطی، دامنه موضوعات را در عددی خاص () محدود ساخته و با شخصی چنان توسعهی به آن داده اند که از یک سو مباحثی که از جمله عوارض اختصاصی و ذاتی قرآن را که جملگی به حوزه تفسیر (و ادبیات و نحو) هستند، ضمن دانش علوم قرآنی گنجانده اند، مانند :

(البرهان)

(یب القرآن) البرهان

(بیان معانی برخی از حروف)

(البرهان)

باقری، ()؛ از سوی دیگر با مرزبندی خود راه را بر مسائل جدیدتر بسته که این خود بیشتر به جهت اقتضای شرایط و ملازمت ظهور مسائل جدید با شرایط و وضعیت های نو است. اما فی الجمله در اندیشه برخی از معاصران در طرح جدول موضوعات علوم قرآنی تأثیر گذاشته به گونه ای که احساس می شود غالب کتب علوم قرآنی در بردارنده همان موضوعات و ادامه دهنده همان مباحث هستند و این خود نقصی بزرگ بر پیکره علوم قرآنی است که به کمک فلسفه علوم قرآنی می توان بـ

و م: علامه طباطبایی - قدس سره - مباحثی

را که ذیل عنوان علوم قرآن قرار می گیرد به دو دسته تقسیم کرده است:

- علمی که درباره الفاظ قرآن بحث می کنند.
- مانند علم تجوید و علم قرائت، علم رسم القراء
- عدد السور والآیات والكلمات والحروف.
- علمی که درباره ی معانی قرآن بحث می کنند.

مانند علمی که از کلیات معانی چون: تنزیل و تاویل، ظاهر و باطن، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ بحث می کند یا علم آیات احکام، و علم تفسیر ()
 . البته ایشان به علومی نیز اشاره دارند که قرآن عامل ظهور و نشر آنها بوده است، مانند: اصول فقه، کلام و فلسفه، معانی، بیان، صرف و نحو، تاریخ، علوم حدیث، علم رجال و درایه و غیر آنها (همان).

عبدالعظیم زرقانی نیز ضمن قرار دادن مسائلی از نزول تا جمع، قرائت، اعجاز، ترتیب آیات... دانش تفسیر و مسائلی که درباره قرآن بحث می کنند و عهده دار دفع شبهات از ساحت قرآن هستند را در قلمرو موضوعی و تعریف این دانش گنجانده به نحوی که محتوای کتابش شاهد روشنی بر توجه زیاد ایشان به این مسائل است. در ضمن ایشان تصریح دارد که موضوع این دانش، قرآن کریم و بررسی آن از هر ناحیه از نواحی مذکور در تعریف می باشد (/).

برخی از معاصران، مباحث علوم قرآنی

:

– فلسفه علوم قرآنی که در آن از مبانی و مبادی علوم قرآنی بحث می قرآنی هستند.

فقه قرآن شناسی: در آن اصول و مبانی قرآن شناسی نه علم قرآنی است بلکه علوم قرآنی بحث می شود.

خارجی یعنی قرآن سر و کار داریم نه علم شناسی. مهم ترین مسائل آن ؛ تاریخ تدوین قرآن کریم،

امکان و فلسفه وحی، اعجاز قرآن، سبک شناسی ادبی
 احث مربوط به زبان قرآن، آیات محکم و
 متشابه و ویژگی ها و فلسفه آن دو، تحریف لفظی و
 معنوی، مفهوم مکی و مدنی و تعیین مصداقهای آن،
 شأن نزول آیات و چگونگی نزول قرآن و... .
 این مسائل را لازمه فهم و شناخت حقیقت قرآن دانسته
 که پیشینیان آنها را علوم قرآن می .
 - علم مسائل قرآنی یا دانش نگرش قرآن به
 : دانشی که درباره شناخت مراد خداوند و نوع
 نگرش قرآن به مسائل مورد نیاز انسان به بررسی می
 پردازد، علم تفسیر خوانده می شود که با تک تک
 آیات یا بخشی از آنها سروکار دارد نه همه آنها (ایزد
 .)

: بر اساس این نگرش، منظور از علوم
 قرآنی، مباحث و بررسی هایی است که درباره ی قرآن
 شده و در چهار موضوع اساسی قرار می گیرند:
 مصدر قرآن و کیفیت نزول آن و چگونگی دریافت
 پیامبر ۹- کتابت و جمع و نسخ آن در مصاحف
 - تفسیر قرآن و کیفیت ف (قَدَوْرِي
 . (الْحَمْدُ .)

تأثیر پذیری صاحبان این نگرش ها از میزان فهم و
 برداشت شان از علوم قرآنی، روش و رویکردشان در
 تحلیل و تبیین گزاره های علوم قرآنی، اعمال ذوق و
 سلیق شخصی، تک بعدی یا چند بعدی دانستن کارکرد
 علوم قرآنی، توجه به مرزهای علوم
 ثیرگذاری و تأثیر پذیری آنها از يك ديگر)
 به حیطه علمی و دامنه اطلاعاتی شان) عاملی مهم در

تعدد نگرش‌ها از گستره مباحث علوم قرآنی گشته است و فلسفه علوم قرآنی درصدد است با همین سنجه‌ها و معیارها به تنقیح مبانی و مسائل علوم قرآنی همت

ج - جایگاه معرفتی علوم قرآنی

بی‌شک دانشی چون علوم قرآنی که از متن جامعه اسلامی با محوریت کتاب سر برآورده از جایگاهی ممتاز و آثاری سودمند برخوردار است. اما واکاوی این مسئله ما را با این پرسشها مواجه می‌سازد که علوم قرآنی برای چه آمده و به کجا می‌رود آیا مقصد و فی‌درد؟ آیا پرداختن به آن ضرورت دارد؟ جایگاه آن در میان این همه علوم کجاست؟ در واقع می‌توان در راستای فهم قرآن و معرفت دینی برآن اعتماد کرد؟ آیا در صورت شناخت مفاهیم قرآنی و درک کلام هدایت بخش الهی، نیازی به آن وجود خواهد داشت؟

در پاسخ به این پرسشها باید : به قطع و یقین دانش علوم قرآنی مسیری را می‌پیماید که هم هدفمند و هم فایده بخش است و آن کمک به درک و فهم خوانندگان و مخاطبان قرآن و تسهیل قرائت، کتابت، حفظ و عمل به آن در صورت داشتن تفکر و تدبیر مستمر در آن است که البته نشانه‌های آن را می‌توان در هدف هر مبحث از علوم قرآنی پیدا کرد (صالحی کرمانی، .) **مثلاً آنجا که سخن از وحی و**

و کیفیت آن دو است، هدف هم اثبات خدایی بودن قرآن

و اصالت نصوص قرآنی و صیانت آن از هر گونه دخالت بشری است و هم دفع و پاسخ گوی بی به ش بهات و اشکالات مخالفان به ماهیت متن قرآن مخاطبان (گستره خطاب قرآن) و قلمرو موضوعی آن (جنبه جهان شمولی آن) زمان که از مکی و مدنی بودن آیات و سور، محکم و متشابه، نسخ، جمل و مبین، عام و خاص و ... سخن می گوید، درصدد شناسایی راههای فهم بهتر آیات و سور و دقت در قراین ادبی، لبی و عقلی موجود در آیات برای شناخت بهتر مراد خداوند است.

افزون بر این، علوم قرآنی همپای دیگر علوم اسلامی در یک سلسله منسجم و در هم تنیده عهده دار دفاع از دین و ارائه راهکارهایی در جهت فهم و نشر معارف اسلامی و قرآنی است. از همین رو، یکی از حلقه های این مجموعه را تشکیل می دهد که فقدان آن به مثابه رخنه معرفتی در مسیر معرفت دینی و قرآنی قلمداد می شود. یک گواه روشن بر این امر، توجه عده زیادی از مفسران قرآن به اطلاع از علوم قرآنی به عنوان یکی از علوم لازم در مسیر تفسیر قرآن است؛ به گونه ای که مقدمه تفسیر خود را به مباح

علوم قرآنی مزین نموده و در لابه لای تفاسیر خود از تک تک موضوعات علوم قرآنی جهت تسهیل درک مخاطبان خود بهره جسته اند. گواه دیگر، بهره گیری دین پژوهان از مباحثی چون وحی و چگونگی آن، اعجاز قرآن، سلامت قرآن از تحریف و تغییر و ... در بیان ماهیت و کارکرد و زبان دین .

شاید بتوان مدعی شد، بیشتر مباحث علوم قرآن مقدمه و پیش‌نیاز فهم قرآن و بدون شناخت آنها، اساساً فهم قرآن به عنوان کتابی آسمانی ممکن نخواهد بود؛ از این رو برخی معتقدند که

دانشهایی است که مبانی، ابزارها و راهبردهای فهم قرآن کریم را تسهیل می‌نماید. و از نظر ساختار درونی ای از این علوم در راستای باور به اصالت متن وحیانی است. همانند وحی، اعجاز، تدوین قرآن و تحریف ناپذیری آن. در کنار محور یاد شده رکن دیگری از مجموعه دانشهای درباره ی قرآن، علمی است که طور مستقیم در قلمرو فهم وحی به شمار می‌آید که از «اصول و مبانی فهم قرآن» یاد می‌شود (سعیدی روشن، علوم قرآن،) .

بنابراین برخی از مباحث علوم قرآنی نقش راهبردی در صیانت از قرآن و کمک به فهم آن دارند و برای : بحث اعجاز قرآن که بدون آن، آسمانی و از سوی خدا بودن قرآن اثبات نخواهد شد؛ و فهم کامل قرآن حاصل نخواهد گشت. یا اگر آیات ناسخ و منسوخ را درست نشناسیم، در فهم آنها به مشکل دچار خواهیم شد. مثلاً اگر ندانیم آیاتی چون **﴿فَاَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ﴾** (/)، آیات قتال که جنگیدن با مشرکان را واجب کرده، ناسخ آیات صفح و در گذشتن از آنهاست، در فهم مقصود خداوند با مشکل مواجه خواهیم (اوسط باقری،)؛ یا در بحث اسباب نزول این هدف عینی تر می‌نماید. زیرا همواره در این موضوع باور دانشمندان بر این بوده است که شناخت تفسیر آیه

ن وقوف به قصه و بیان سبب نزول آن ممکن نیست (واحدی نیشابوری)؛ بیان سبب نزول طریق قوی در (ابن دقیق العید) به فهم آیه کمک می کند؛ زیرا علم به سبب علم به (ابن تیمیه) (ک: سیوطی، /) .

نتیجه اینکه مباحث علوم قرآنی را می توان هم در حوزه الفاظ قرآن و هم معنایی و مقاصد آن مورد عنایت قرار داد. از یک سو به مخاطبان و مشفقان فهم قرآن می آموزند که واژگان قرآن معجزه بوده و از سوی خداوند بر وجود مبارک رسول اکرم⁹ در طی فرایندی چند ساله نازل گشته اند، به گونه ای که در مسیر معناداری و دلالت خود از دخل و تصرف بشری بی نیاز هستند، (مباحث وحی و اعجاز و دلالت های لفظی و معنوی چون: حقیقت و مجاز، مفهوم و منطوق، مناسبت و سیاق و قرینه و... در این مورد کاربرد دارند). افزون بر این به پژوهشگران و اندیشمندان اسلامی یاد می دهند که مثلاً دسته بندی آیات به مکی و مدنی، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ نشان از خصوصیات ذاتی قرآن در بیان اهداف خود و توجه دادن به این نکته است که فهم احکام و دستورات قرآن و استنباط حکم از آن به دقت در این مباحث و تشخیص حدود و جایگاه آنها منوط است. بالاخره اینکه علوم قرآنی با طرح این گونه مباحث درصدد ارائه الگوهای مناسب و مطلوب در جهت شناخت خدا و کلام و پیام

د - مناسبات علوم قرآنی با سایر علوم

یکی از موضوعات مهم درباره ی هر دانش، میزان پیوندها و فاصله های آن با سایر دانشهای مرتبط و همخوان است که فلسفه هر علم عهده دار بیان آن (نک: جعفری،) .

علوم در مسیر ظهور، رشد و رکود خود با مسائل و حوادثی مواجه می شوند که به تنهایی توان عبور از آن شرایط را ندارند از همین رو، از داده های یک دیگر به _____ می جویند. بدیهی است که در چنین وضعی نوعی تداخل یا تعامل در مسائل آنها صورت می گیرد که بسا به پیوندهای موضوعی و اهداف مشترک منجر می گردد.

علوم قرآنی که حلقه ای از مجموعه بزرگ علوم اسلامی است خود را در بسیاری از مسائل وامدار دانشهایی چون تفسیر، حدیث (علوم حدیث،

، تاریخ و سیره، ادبیات عرب (صرف و نحو، معانی، بیان، بدیع و زبان شناسی)

فقه می داند. و در عمده مسائل قرآنی از کشفیات و اطلاعات آن علوم تغذیه می کند (نک: فتح الهی،

). از این رو، علوم قرآنی یک علم بین رشته ای است که از همان روز اول شکل گیری خود با دانش هایی چون لغت، زبان شناسی، صرف و نحو، علوم ادبی، تاریخ ، زمینه های مشترکی داشت. (پاکتچی،) .

مباحث علوم قرآنی از دانشهای اسلامی فوق سرچشمه می گیرند و به عبارت روشن آبخور اصلی آنها این

. که اگر این مدعا درست باشد، مفهوم آن این است که نمی‌توان برای علوم قرآنی یا کم‌بخشی از مباحث آن اصالت ذاتی قائل شد و شاید تردید و شبهه برخی در این باره تقویت می‌آید آنکه بگوییم این امر به علوم قرآنی اختصاص ندارد (نصیری،) .

ارتباط علوم قرآنی با تفسیر:

دانش علوم قرآنی با دانش تفسیر قبلاً بیان شد که علوم قرآنی نقش پیش‌نیاز و کلید را برای مفسر دارد و بدون آن، دستیابی به برخی مبانی تفسیر و فهم قرآن چون خدایی بودن قرآن، اصالت متن قرآن، سلامت آن از تحریف، امکان و جواز فهم قرآن، تشابه آیات و لایه لایه بودن معانی قرآن، امکان نسخ آیات، شرایط و اسباب نزول آیات، کشف قرائت صحیح آیات، در نظر داشتن مناسبات بین آیات، سور، قراین متصل و منفصل در جریان تفسیر و... امکان‌پذیر نیست.

از دیدگاهی نیز، تفسیر دانش فهم مدلول آیات قرآن و کارکرد این دانش در عرصه آیات است که در جایگاه ذی غایی علوم قرآنی نقش-آفرینی می‌کند؛ یعنی مباحث و گزاره‌های علوم قرآنی باید زمینه‌ساز مقدمات فهم و تفسیر آیات قرآن نظیر نقش اصول برای فقه و منطق برای فلسفه (همان، ؛ فتح الهی،) .

در بیانات امامان معصومین⁷ نیز لزوم شناخت برخی مباحث علوم قرآن برای تفسیر صحیح قرآن، تأکید شده . امیرالمؤمنین علی⁷ به یکی از قاضیان کوفه

« : » وی جواب داد: « **«مَلِكٌ وَأَهْلِكُتْ»** (عیاشی، /) . بنابراین تفسیر صحیح قرآن و در مواردی مکان اصل تفسیر قرآن، بر نتایج مباحث علوم قرآن مرتب است. از همین رو، برخی از اندیشمندان علوم قرآن، آن را بسان کلیدی برای تفسیر دانسته (اوسط باقری،) .

ارتباط علوم قرآنی با حدیث: در زمینه ارتباط علوم قرآنی با دانش حدیث هم باید دانست که یکی از ده بحث و بررسی مباحث علوم قرآنی نزد دانشمندان علوم قرآنی، روایات برجای مانده از پیامبر اکرم ⁹ و اهل بیت : و صحابه ایشان و دیگران بوده است به گونه ای که در اکثر موضوعات می توان ردپای حدیث و نقلی از محدثین را مشاهده کرد (نک: فتح الهی) . برای نمونه در بخش وحی، نزول، جمع قرآن، ... حجم کثیری از روایات به چشم می خورد که از مسائلی چون کیفیت وحی بر پیامبر اکرم ⁹ و حالات ایشان در دریافت آن، مراتب نزول قرآن بر آسمانها و قلب پیامبر اکرم ⁹ و نحوه دریافت مکتوب کردن آن، مراحل گردآوری و تدوین آن در طی دورانی چند از حیات جامعه اسلامی و... خبر می . یا در مسائل دیگر.

برخی بر این باورند که خاستگاه اولیه علوم قرآنی، حدیث بوده و آنچه درباره قرآن یا معارف و های آن از زبان پیامبر و امامان : یا از صحابه و تابعان نقل شده، در قالب احادیث انعکاس

یافته و برای ما نقل شده است و به استقلال علوم قرآن از حدیث، همچنان بهترین منبع و آبخور برای دستیابی به گزاره های علوم قرآنی جوامع حدیثی هستند (نصیری، ؛ فتح الهی، قَدُورِ،) .

اگر به این حدیث از امام رضا 7 که فرمودند: « من ردّ متشابه القرآن الی محکمه فقد هدی الی صراط مستقیم، اِنَّ فی اخبارنا متشابهها کمتشابه القرآن ومحکمها کمحکم القرآن فردّوا متشابهها الی محکمها و لاتتبعوا متشابهها دون محکمها فتضلّوا » (بابویه، /) توجه کنیم، بی شک روشن خواهد گشت که این حدیث، بهترین راهکار را در بحث قرآنی یعنی محکم و متشابه و چگونگی فهم معنای آیات متشابه ارائه می دهد و آن ارجاع متشابهات به محکّمات آیات و فهم مراد خدا از آن آیات به واسطه آیات محکمی که در دلالت خود روشن و خالی از احتمالات بعیده اند.

ارتباط علوم قرآنی با فقه و اصول فقه:

نی با دانشهای مهم فقه و اصول فقه به خصوص در زمینه هایی چون مکی و مدنی، نسخ در آیات، اختلاف

و حجیت تواتر یا عدم تواتر آنها، سبب نزول (خصوص موضوع عمومیت لفظ نزول نه خصوص سبب آن) و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین، مفهوم قراین کلام، حجیت ظواهر آیات و ... ارتباطی تنگاتنگ دارد (نک: فتح الهی،)؛ زیرا قرآن اصلی ترین

منبـع احکـام و فروعـات دین و نخستین مصدر استنباط و تشریح است. از همین حیث بر فقیه است که عملیات استخراج و استنباط حکم را با تکیه بر داده های قرآنی انجام دهد (نک: نقی زاده،)؛ زیرا تا بر او الهی بودن و اصالت نص موجود قرآن، امکان نسخ در آیات از طریق دانش علوم قرآنی اثبات نشود، نمی

عنوان منبع تشریح احکام الهی استناد کند. بر عکس آن نیز صادق است؛ تا بر دانشمند علوم قرآنی حجیت آیات و نوع دلالتها و قراین کلام خدا که بر عهده علم اصول است مشخص نباشد، نمی تواند اهداف خود را پیش برد و مثلاً اثبات کند که قرآن هرگز تحریف نشده است؛ زیرا اثبات تحریف ناپذیری قرآن به اثبات حجیت ظواهر قرآن بستگی دارد (نک:) .

از نگاهی نیز، دانشمندان علوم قرآنی در بررسی و استقصای آیات ناسخ و منسوخ از مراجعه به فقه بی‌نیاز نیستند؛ چرا که یکی از راه‌های تشخیص آیات ناسخ و منسوخ، اجماع عالمان بر نسخ آیه‌ای با آیه‌ای دیگر است و این اجماع از طریق فقه به دست می‌آید (اوسط باقری،). البته این بدان معنا نیست که ناسخ و منسوخ بحثی صرف فقهی است بلکه مراد موارد کاربرد آن در فقه و تأثیر اجماع فقها در کشف مواضع نسخ در آیات است که در واقع يك بحث ثانوی به شمار می‌آید.

ارتباط علوم قرآنی با سایر علوم: در مورد پیوند طرفینی علوم قرآنی با دانش‌هایی چون کلام، تاریخ،

سیره و ادبیات عرب با همه شعب آن باید گفت: اگر متکلمان مثلاً توانسته اند در مبحث نبوت () حقایقی را روشن نمایند به جهت بهره گیری آنها از نتایج مطلوب در بحث اعجاز قرآن از جمله مباحث مطرح در علوم قرآنی است؛ یا در بحث از ری آنها دیدگاههایی را ارائه و بررسی نمایند، به سبب طرح موضوع و فن مهم محکم و متشابه در علوم قرآنی است؛ یا اگر قرآن شناس توانسته در حالات پیامبر اعظم ۹ قرآن، سیر تاریخی تدوین و شکلگیری قرآن، اهتمام پیامبر ۹ و صحابه به تدوین و کتابت قرآن، کاتبان

ابوبکر تا زمان حضرت علی 7 و پس از آن - ، تاریخ شکل گیری نخستین تفاسیر و ترجمه های قرآن، قاریان قرآن، اهتمام مسلمانان و تلاشی که برای نشر و ترویج قرآن انجام یافته، تاریخ خوشنویسی و تذهیب قرآن ... نظریه پردازی کنند به واسطه توجه زیاد مسلمانان به دانش تاریخ و حفظ سیره معصومین و دیگران از فراموشی و نابودی است و همه اینها از جمله مباحث تاریخی هستند که با صرف

قرآنی در کتابهای تاریخ و سیره به آنها توجه شده است. و شاید بهترین منبع در دستیابی و استناد عالمان علوم قرآنی در موضوعات فوق الذکر همین تاریخ و نقل پیشینیان باشد (نصیری، ؛ فتح الهی،) .

اگر علمی چون لغت و اشتقاق، صرف، نحو، معانی، بیان و بدیع، دانشهایی که به اذعان بسیاری از

نظران به برکت قرآن و برای شناخت و فهم عمیق-
 تر این کتاب آسمانی شکل گرفته اند (.ک:)
 ؛ طباطبایی، (نمی بود هرگز دانشمند
 علوم قرآنی و مفسر قرآن نمی توانست به ابعاد
 گوناگون فصاحت و بلاغت کلام الهی پی برد و از رهگذر
 آنها ماهیت حقیقی کتاب خدا را به جهانیان

هـ - روش شناسی علوم قرآنی

راد از روش شناسی، شناخت روشها و روی آوردهاست
 و به تعبیر دیگر، بیان و سنجش شیوه ها، ابزارها،
 رهیافت ها و روشهای تحقیق است. مفهوم روی آورد به
 مثابه طریقی برای نزدیک شدن به مسئله و رهیافتی
 برای شکار نظریه و به دام انداختن فرضیه به کار می
 رود، در حالی که از روش به عنوان ابزاری برای نقد
 و ارزیابی فرضیه به دست آمده استفاده می کنیم.
 بنابراین روی آورد به مقام گردآوری متعلق است
 روش به مقام داوری (قراملکی،) .
 (به معنای عام) را از نظر اسلوب تحقیق و
 و سبک بررسی مسائل و اثبات مطالب
 می کلی تقسیم کرد: علوم عقلی،
 علوم تجربی، علوم نقلی و تاریخی. بررسی انواع و
 طبقات علوم و تعیین روشهای کلی و جزئی هر یک از
 های سه گانه، علمی را به نام متدولوژی پدید
 آورده است که احیاناً به نام فلسفه علمی نامیده
 می شود، چنان که گاهی منطبق عملی خوانده می
 (مصباح یزدی، /) .

بحث از متدولوژی تحقیق در هر علم، از مهم ترین موضوعات و مسائل فلسفه آن علم به شمار می آید که بر آن است تا راههای پردازش و پژوهش در آن علم را مورد واکاوی قرار دهد. لذا از طریق آن می توان به منابع شناخت آن علم دست یافت و با معیارهایی که در اختیار ما می گذارد ضعف و کاستی های موجود بر سر راه محققان آن را شناسایی نماید (: ترابی، ؛ نوالی،).

در روش شناسی علوم قرآنی نیز کشف این روی آوردها و روشها ابزاری مهم در جهت رسوخ در دامنه مسائل آن و ارائه راه حلهای مناسب در رفع _____ های معرفتی و کاستی های موجود آن و نیز یافتن پاسخهای مطلوب برای این پرسشهاست: آیا روش تحقیق در تعالی و رشد دانشهای قرآنی نقش راهبردی دارد؟ رهیافتهای و روی آوردهای تحقیق در علوم قرآنی کدامند؟ آیا مطالعات و پژوهشهای قرآنی روش واحدی دارند(حصرگرایی روش ختی) یا هر مسئله ای از آن روش مخصوص خود را (کثرت گرایی روش شناختی)؟ عوامل ناکارآمدی در فرآیند تحقیق در علوم قرآنی چیست؟ محقق علوم قرآنی چگونه می تواند تحقیق را از حیث اینکه راه خود را طی می کند یا به انحراف و بیراهه می رود بیازماید؟ وضعیت موجود تحقیقات در حوزه علوم قرآنی با وضعیت مطلوب آن از جهت روش، موضوع محوری یا مسئله محوری بودن تحقیق و آرمانها چه فاصله ای آیا میان روش شناسی تحقیق با توسعه مسائل و قلمرو موضوعی علوم قرآنی و میزان تحول آن ارتباطی

آیا متدولوژی تحقیق در علوم قرآنی فرآیندی ثابت در حل معضلات آن به شمار می آید؟ آیا از این طریق می توان به فرآیند مطلوب تحقیق در علوم قرآنی دست یافت؟

رویکرد دانشمندان به مسائل این دانش عمدتاً می تواند به یکی از این موارد برگردد: گزارش نظریه یا پدیده (رویکرد توصیفی)، بیان علل و عوامل پدیدایی نظریه (رویکرد تعلیلی)، کشف پیش فرض ها و لوازم نظریه (رویکرد تحلیلی)

تبدیل آن به باور موجه (رویکرد استدلالی)، داوری و ارزیابی نظریه و کشف میزان مطابقت داشتن یا (رویکرد نقدی) /

(

علوم قرآنی در بیان مسائل خود از سه روش نقلی، عقلی و تحلیل زبانی بهره جسته است (نصیری، فتح الهی،). البته باید به این نکته توجه داشت که هدف از این بحث، حصر عقلی روشها در حوزه علوم قرآنی نیست؛ چون برای هر محقق علوم اسلامی محرز است که مبادی معرفت انسان بر حس و تجربه، عقل و برهان، کشف بی واسطه و معرفت وحیانی (مخصوص انبیا) (سعیدی روشن،) و نوع نگرشها و تحلیلها هم

. لازم به ذکر است، تکیه بر این روش ها به مفهوم انحصار روش شناسی تحقیق نیست؛ زیرا از دانش علوم قرآنی که عهده دار ارائه راهکارهای مناسب جهت فهم قرآن و دفاع از آن در برابر شبهات و هجمه های گوناگون نظری و فکری است، انتظار می رود که به تمامی روشها و رویکردهایی که به نحوی با ساختار و آرمان آن سازگار است بها داده و زمینه بررسی دقیق تر و کارآمدتر را برای محققان قرآن اندیش فراهم نماید. از این رو، می توان از امکان بررسی علوم قرآنی با رویکردهای زبان شناختی، معنا شناختی، تحلیل محتوا و ... میان آورد.

در این مسیر مستقل هستند. **مثلاً روش و نگرش محدث با** فقیه و متکلم و فیلسوف به طور قطع متفاوت است. چون هر کدام از یک ذهنیت و جهت گیری خاصی برخوردارند که بر اساس آن روشی خاص را در تحلیل قضایا در پیش می گیرند، با این حال ممکن است مراتب و وجوه خلاف و وفاق هم میان آنها وجود داشته باشد. شکل بارز این تنوع را می توان در فقهایی دید که به جهت تلاش در تفسیر قرآن از مباحث علوم قرآنی بهره جسته اند؛ مثل شیخ طوسی و مرحوم آیت الله خوئی در شیعه، ابن عطیه، طبری و قرطبی در اهل سنت، یا در متکلمین و فیلسوفانی که به فراخور تحقیقات دین شناسی و قرآن شناسی خود به مباحث علوم قرآنی : علامه طباطبایی و شهید مطهری

و آیت الله جوادی آملی و ... در شیعه، فخر رازی در اهل سنت و نتیجه این عملیات و بررسی و تحلیل مسائل از سوی هر محقق، کثرت گرایی روش شناختی در عرصه علوم قرآنی خواهد بود.

بر این اساس، دانش علوم قرآنی از آن جهت که وظیفه آن تبیین گزاره های قرآنی و قابل فهم نمودن و دفاع از آنها در مقابل سؤالات و شبهات است روش واحدی ندارد. لازمه این تنوع در این است که به تبع تجدد در فهم مخاطبان و نوشتن شبهات و سؤالات، روش محقق علوم قرآنی نیز نو می گردد هرچند که ابتنای آن بر دو روش نقلی و عقلی امری ضروری است؛ چون عمده مباحث آن در مرحله شکل گیری و تحلیل مباحث بر روایات و درک عقلی مبتنی اند.

کاربرد روش نقلی: در مورد کاربرد روش نقلی در

علوم قرآنی باید به این امور توجه داشت:

– نقل و روایت از مصادر اصلی در شکل‌گیری و جهت‌دهی به عمده مباحث علوم قرآنی است.

– تکیه عالمان علوم قرآنی به احادیث در دوره‌های مختلف، بر اساس احتیاجات عصری تغییر می‌یافت. **به نحوی که مثلاً در عصر صحابه صرف توجه به نقل‌های برجای مانده از رسول الله ﷺ**

های بعد رگه‌هایی از مباحث عقلی و کلامی نیز چاشنی بررسی‌های قرآنی شده است.

– اعتماد بر نقل با اهتمام به معیارهای صحت احادیث و ملاکهای اعتبار و حجیت آنها معنا دارد که متأسفانه در مقاطعی از حیات علوم قرآنی این مهم مورد غفلت واقع شد و انبوهی از روایات در هم آمیخته و جعلی و بی‌مبنا به حوزه تفهیم مفاهیم علوم قرآنی وارد شد که صد البته این خود عاملی در جهت تنقیح و پالایش احادیث با معیارهای عقلانی شد ولی تاکنون سایه شوم آنها بر پیکره موضوعات علوم قرآنی برافراشته است. برای نمونه بنگرید به: روایات بدء نزول قرآن که مشتمل بر اتهاماتی بر پیامبر اکرم ﷺ است و روایات مرتبط با وحی همچون: افسانه غرانیق و روایت ورقه بن نوفل، روایات تحریف‌پذیری قرآن و فضائل قرآن و مانند اینها.

معیارها و ضوابطی که در علوم قرآنی مبتنی بر روش نقلی باید پیروی کرد همان معیارهایی است که در نقد حدیث بکار می‌رود. در نقد سند محور از طریق تأمل در احوال راویان حدیث و اتصال یا انقطاع زنجیره سند حدیث به ارزیابی حدیث

می پردازند. اما در نقد متن محور، بررسی و ارزیابی بر اساس متن حدیث صورت می گیرد. و به دو روش معیارهای نقلی و معیارهای عقلی صورت می پذیرد (فتح الهی،) .

کاربرد روش عقلی: روش عقلی و کاربرد آن در علوم قرآنی از مهم ترین موضوعاتی است که هر محقق و اندیشمند علوم قرآنی باید به آن توجه داشته و تا می تواند مباحث قرآن شناسی را با تکیه بر روایات صحیح و معتبر بر آن بنا کند تا به نتایج واقعی و مطلوب دست یابد. اکثر علما در این دانش از قوه عقل و استدلال در تحلیل گزاره ها بهره جسته اند البته در میان گذشتگانی چون زرکشی و سیوطی و ابن الجوزی و ابوشامه مقدسی و ... این پایبندی به مباحث عقلی چندان نمود بارزی ندارد هر چند که می توان در مواردی چون محکم و متشابه، نسخ، قرائات، سبب نزول، تناسب آیات و سوره و بیان فوائد و حکمت های آنها نگرش اجتهادی و نظرات شخصی آنها را مشاهده کرد. اما در میان متأخران و معاصران به رغم تکیه بر روایات و اخبار گوناگون و نقل های پیشینیان می توان نشانه های اجتهاد و اندیشه ورزی و تلاش در حل معضلات و پاسخ به شبهاتی چون: دریافت و تجربه بشری پیامبر از وحی، ابهام در چگونگی نزول قرآن، تحریف پذیری قرآن (نقصان و افزودگی در قرآن)

قرائات عاملی در تغییر الفاظ و تبدل معانی قرآن، اختلاف در رسم الخط دلیلی بر اختلاف معانی آن، ابهام در معناداری آیات متشابه و ... مشاهده کرد که این خود از تحول در روشها و بررسی ها در میان

اندیشمندان علوم قرآنی و طالبان فهم قرآن حکایت

گستره روش عقلی در حوزه معرفتی علوم قرآنی را می توان در مباحث کلامی (چون وجوه اعجاز قرآن، محکم و ..)، زبان قرآن، مباحث تفسیری و قرآن شناسی (آیات مشتمل بر برهان امکان، حدوث، تمنع، روایات مرتبط با وحی، جمع قرآن، مصونیت قرآن) مباحث فلسفی (پدیده وحی، اثبات وحیانیّت قرآن، چگونگی نزول و ا...)، قواعد تفسیر (تفسیر اجتهادی و علمی و ...) مشاهده کرد (فتح الهی، ..).

کاربرد روش تحلیل زبانی: یکی از روشهای جدید در عرصه مطالعات علوم قرآنی، به کارگیری روش تحلیل زبانی است. خاستگاه این روش در فضای علوم به دو قرن اخیر در میان متکلمان و فلاسفه غرب چون لایب نیتز، برتراند راسل انگلیسی و شاگردش ویتنگشتاین . . . فیلیپس و ... بر می گردد که بر اساس آن تحلیل زبان یک روش برای حل مسائل فلسفی است. نظر آنان زبانی که برای امور عادی است برای فلسفه کارآیی ندارد؛ از این رو باید زبان دیگری پیدا کرد تا مسائل لاینحل آن گشوده شود و به باور آنها زبان روزمره از این نقایص برخوردار است: ابهام، ابهام، وابستگی به بافت (برای مثال واژه نابغه در یک متن تحسین آمیز دارای مفهوم فراتر و در متن تحقیر آمیز دارای مفهوم فروتر است)، تفاوت معنای لغوی با معانی اصطلاحی زبان (سعیدی روشن، تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن).

هرچند فعالیت این روش در علوم قرآنی به طور رسمی و فراگیر هنوز آغاز نشده، اما متفکر معاصر مصری نصر حامد ابوزید با نوشتن کتاب معنای متن، پژوهشی در تلاش کرده است تا متن قرآنی را از فرهنگ عیت عصر نزول و گفت و گو و رابطه دیالکتیکی آن دو با هم جدا نکرده و با ابزار این روش به نقد روشها و روی آوردهای گذشتگان در بررسی متن قرآنی و . بر این اساس، وی معتقد است : «شناخت متن قرآنی و صورت بندی آن، بدون بازسازی کردن قرائتی انتقادی، ژرف نگر و جدید از علوم قرآنی ممکن نیست» (ابوزید،) .

وی، محور بودن جامعه اسلامی بر متن زبانی () سبب می شود که تنها دو مجرای تحقیق راجع به علوم قرآنی وجود داشته باشد: زبان شناختی و ادبی (همان،) و به همین جهت، انتخاب روش تحلیل زبانی در هم متن قرآنی و دست یابی به شناختی از آن، انتخابی تصادفی، بی هدف و ناشی از سرگشتگی در میان روشهای مختلف موجود نیست (همان،) . بر این اساس، کاربرد روش زبانی (روش تحلیل متون) قرآن با ایمان به الهی بودن خاستگاه و منشأ آن تعارضی ندارد (همان،) .

و شن به نظر می رسد که پذیرش عدم تعارض به معنای عدم دخالت عنصر فرهنگ در شکل دهی متن قرآنی نیست؛ زیرا متن قرآن نخست از عناصر فرهنگی تأثیر پذیرفته، سپس به شکل فرهنگی برتر بر سایر فرهنگ ها تأثیر گذاشته است. اما باید به این نکته نیز توجه داشت که اتکاء به چنین گفتمانی تا حدود

زیادی نگرش قرآن شناختی و متن شناسی ما را به چالش می کشاند؛ از یک سو ماهیت فراطبیعی و استقلالی قرآن را زیر سؤال برده و به متن قرآنی رنگ فرهنگی و تاریخی داده است که پیامد آن کارآمدی برای همان فرهنگ و مخاطبان آن خواهد بود که این با آرمان جهان شمولی پیام قرآن نمی سازد و از سوی دیگر فرض (در پیام)

الهی را تقویت می کند و آن را در حد کلامی این جهانی نازل می گرداند و مقام تعالی و عالی مفاهیم و معانی قرآن را نادیده می انگارد.

در پایان توجه به این نکته ضروری است که بررسی علوم قرآنی با هر روش و رویکردی، ما را به گُنه تعالیم و اهداف قرآن نخواهد رساند؛ زیرا روش شناسی هر علم آن هنگام کارآمد است که بتوان مسائل و موضوعات آن را با روش و ابزار مناسب، بررسی کرد و گرنه تلاش برای روش شناسی علوم بی نتیجه خواهد ماند. بنابراین، آن چه بخواهیم با تکیه بر یک روش خاص یا روش های نامتجانس با علوم قرآنی مثل روش های تجربی که مبتنی بر حس و تجربه، آن هم با ابزارهای خطاپذیرند، مباحث علوم قرآنی را باز شناسیم، نباید انتظار داشت که بتوان برای تمام نیازهای قرآن شناسانه خویش پاسخ مناسبی یافت؛ چرا که منطق تحقیق حکم می کند که میان روش

از جهت ماهیت و نوع و شأن علمی تناسبی وجود داشته

نتیجه

– حضور مباحث علم شناسانه در فضای مبهم و در هم آمیخته علوم امروزی، تا آن حد ضروری است که به اندیشمندان هر حوزه معرفتی امید داشتن تصویری رست از علوم مورد نظر خود و مبادی و مبانی آنها را می دهد.

– یافته های هر علم برای سایر علوم، هنگامی مفید است که لوازم منطقی، مبانی معرفت شناختی و دامنه تأثیرگذاری آنها (آثار عینی فردی و اجتماعی) به دقت تعیین شوند تا هیچ گونه اقدام خارج از اصول و مبتنی بر پیشداوری و مفروضات غلط انجام نپذیرد.

– فلسفه علوم قرآنی به تناسب استقلال قلمرو علوم قرآنی و تأثیر شگرف آن بر سایر معرفتها بر آن است ماهیت، تعریف، غایت، روش، نوع مسائل و مناسبات علوم قرآنی با دیگر علوم را از ترازوی بالاتر ارزیابی کند و به پژوهشگران قرآن دیگران این امید را دهد که از این پس راه تحقیق در قرآن به نحو عام و علوم قرآنی به نحو خاص، مشخص و توأم با ابزارها و روشهای کار مناسب است و امکان این وجود دارد که با توجه به پیوندها و فاصله های علوم با یکدیگر بتوان فرصتهای بهتری جهت مطالعات و تحقیقات میان رشته ای که نیاز معرفتی

اوسط باقری، علی، «علوم قرآن، چیستی، چرایی و

چگونگی»، مجله قرآن شناخت، شماره اول، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی () .

ایزدپناه، عباس، «مبانی روش شناسی علوم قرآنی»، مجله صحیفه مبین، شماره .

ابوزید، نصر حامد، معنای متن، پژوهشی در علوم قرآن ترجمه: مرتضی کریمی نیا، انتشارات طرح نو، تهران .

ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا 7 الأعلی للمطبوعات، بیروت، .

پاکتچی، احمد، ماهیت و ساختار علوم قرآنی در کتاب: ماهیت رشته علوم قرآن، جمعی از اساتید، انجمن علمی دانشجویی الهیات دانشگاه امام صادق 7، تهران .

ترابی، علی اکبر، چاپخانه مرد مبارز، تبریز .

جعفری، محمد تقی، تحقیقی در فلسفه علم

موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، .

حقی، علی، جستارهایی در فلسفه علم () .

خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی انتشارات دوستان و ناهید، تهران .

خسروپناه، عبدالحسین، فلسفه های مضاف

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم .

خوانساری، محمد، منطق صوری، انتشارات آگاه، تهران .

رجبی و همکارانش، روش شناسی تفسیر قرآن

حوزه و دانشگاه قم، انتشارات سمت، تهران .

زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد

أبو الفضل إبراهيم، الطبعة الثانية، مطبعة عيسى البابي
و أولاده ، مصر ، بي تا .

زرزور، عدنان محمد، علوم القرآن مدخل إلى تفسير القرآن
، الطبعة الأولى ، المكتب الإسلامي، بيروت

زرقاني، عبدالعظيم، مناهل العرفان في علوم
، المكتبة العصرية، بيروت .

سيوطي، جلال الدين، الإتقان في علوم القرآن، تحقيق: محمد
أبو الفضل إبراهيم، الطبعة الثانية، منشورات رضى،

سعيدى روشن، محمد باقر، تحليل زبان قرآن و روش شناسى
، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامى و مؤسسه
پژوهشى حوزه و دانشگاه، قم .

، مؤسسه آموزشى پژوهشى امام

خمینی، قم ، .

شاله، فيليسين، (فلسفه علمى)، ترجمه :

يحيى مهدوى، انتشارات دانشگاه تهران، .

صالحى كرماني، محمدرضا، درآمدی بر علوم قرآنى

جهاد دانشگاهى دانشگاه تهران، . صليبا، جميل ،

فلسفى ، ترجمه : منوچهر صانعى دره بيدى ،

انتشارات حكمت ، تهران ، .

طباطبايى، محمد حسين، ، دفتر انتشارات

اسلامى، تهران ، .

عياشى ، محمد بن مسعود ، تفسير عياشى ، مكتبة الاسلامية،

تهران ، بي تا .

فتح الهى، ابراهيم ، متدولوژى علوم قرآنى

7، تهران ، .

قذورى الحمد، غانم، محاضرات فى علوم القرآن

الأولى، دار عمار للنشر

- و التوزیع، عمان، .
- قراملکی، احد فرامرز، روش شناسی مطالعات دینی
انتشارات دانشگاه رضوی، مشهد، .
- لاریجانی، صادق، «ضرورت تدوین
فصلنامه پژوهش و حوزه، سال هفتم، شماره سوم و چهارم
.
- جلسی، محمدباقر، بحار الأنوار
الثانیة، بیروت، .
- مصباح یزدی، محمدتقی،
امیر کبیر، شرکت چاپ و نشر بین الملل، تهران، .
- معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن
الثانیة، مؤسسة النشر الإسلامی، قم، .
- مفتونی، نادیا و قراملکی، احد فرامرز، «رهیافت‌های
دانشمندان مسلمان در علم شناسی»، مجله مقالات و
بررسیها، دفتر ()، تهران، .
- موسوی دارابی، سید علی، نصوص فی علوم القرآن
: آیت الله محمد واعظ زاده خراسانی، مجمع البحوث
الاسلامیة، مشهد، .
- تخریف ناپذیری قرآن
تهران، .
- نصیری، علی «فلسفه علوم قرآنی»، مجله قبسات، شمارگان
، سال یازدهم، بهار و تاب
نقی راده، حسن، جایگاه قرآن کریم در فرایند استنباط
فقهی، دانش شرقی، مشهد، .
- روش تحقیق با تأکید بر علوم اسلامی
.
- نوالی، محمود، فلسفه علم و متدولوژی
تبریز، .

